

## سناریوهای استقلال کردستان عراق و امنیت ملی ایران

عبدالرضا عالیشاهی<sup>۱</sup>  
یونس فروزان<sup>۲</sup>  
حسین مسعودنیا<sup>۳</sup>  
سیدعلی مجیدی نژاد<sup>۴</sup>

### چکیده

از سال ۱۹۹۱، مسئله استقلال اقلیم کردستان عراق یکی از اهداف مهم این اقلیم به شمار می‌رود. مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق برای رسیدن به این هدف در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی همه‌پرسی تعیین استقلال این اقلیم را از حکومت مرکزی برگزار نمود و عراق را تا آستانه خطر تجزیه‌طلبی و جنگ داخلی پیش برد و کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و سوریه که دارای اقلیتی از اکراد می‌باشند، این مسئله را تهدیدی بالقوه علیه امنیت ملی خود قلمداد کردند. مقاله حاضر به دنبال ارائه پاسخی متقن بدین سؤال است که به رغم برگزاری مسئله همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان، چه سناریوهای احتمالی را می‌توان برای آینده این اقلیم متصور بود؟ و این مسئله چه تأثیراتی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد گذارد؟ نویسندگان با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهشی و استفاده از منابع مکتوب و مجازی به ترسیم سه سناریو عمده در خصوص آینده اقلیم کردستان عراق مبادرت نمودند و یافته‌ها پژوهش حاکی از آن است که تحریم‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه همچون ایران، ترکیه و عراق، مرگ جلال طالبانی، چالش‌های درونی اکراد در درون اقلیم کردستان باعث تعلیق همه‌پرسی شده و آینده اقلیم کردستان عراق، مطابق متغیرهای الگویی کانتوری و اشیپگل نه تنها سبب همگرایی منطقه‌ای نمی‌شود بلکه واگرایی وسیعی در منطقه رقم خواهد خورد و تهدیداتی ناشی از سطح ماهیت انسجام، ماهیت ارتباطات، ساختار روابط و سطح قدرت و بازیگر مداخله‌گر را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت.

**کلیدواژه‌ها:** اقلیم کردستان، همه‌پرسی، کانتوری و اشیپگل، امنیت ملی، ایران.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده مسئول: [abdolrezaalishahi@atu.ac.ir](mailto:abdolrezaalishahi@atu.ac.ir)

<sup>۲</sup> - دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

<sup>۳</sup> - دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

<sup>۴</sup> - دانش‌آموخته روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۹

## Scenarios of the Independence of Iraqi Kurdistan and National Security of Iran

**Abdolreza Alishahi<sup>1</sup>**

Ph.D Student of Political Sciences, Allameh Tabataba'i University

**Younes Forouzan**

Ph.D of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University

**Hossein Masoudnia**

Associate professor of Political Science, Isfahan University

**Seyyed Ali Majidinejad**

M.A. of International Relations, Isfahan University

### Abstract

From 1991 to today, the issue of Iraqi Kurdistan region independence is one of this region's primary goals. Massoud Barzani held the independence referendum, the head of the Iraqi Kurdistan Region, to achieve this goal on 25 September 2017 and pushed Iraq to the brink of the danger of separatism and civil war. The countries of the region, such as the Islamic Republic of Iran, Turkey, and Syria, which have a minority of the Kurds, considered this a potential threat to their national security. This article seeks to answer this question: despite the holding of a referendum on Iraqi Kurdistan's independence, what scenarios can be expected for the future of this region? And what impact will it have on the security of the Islamic Republic of Iran? By using the future research method and written and virtual resources, the authors devised three major scenarios on the future of the Kurdistan region. The findings suggest that the political and economic sanctions from countries of the Middle East such as Iran, Turkey, and Iraq, the death of Jalal Talabani, and the internal challenges of the Kurdish parties led to the referendum's suspension. And the future of the Kurdish region of Iraq, according to the variables of the Cantori and Spiegel model, not only does not lead to regional convergence, but a considerable divergence will take place in the Middle East and the threats posed by the level of coherence, the nature of the communications, the structure of the relationship and the level of power, and the interventionist actor to the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** Kurdistan region, Referendum, Cantori and Spiegel, Iran national security.

### مقدمه

استقلال‌خواهی کردها در منطقه غرب آسیا همواره چالش‌های قومیتی و نژادی، سیاسی و اقتصادی فراوانی را برای منطقه به همراه داشته و بسترساز اصلی بحران‌های امنیتی در این منطقه بوده است. در این منطقه

<sup>1</sup>Corresponding Author: Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir

کردهای عراق به عنوان دومین گروه بزرگ قومی که در حدود ۱۹ درصد جمعیت عراق را در بر می‌گیرند و در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک<sup>۱</sup> و کرکوک و بخش‌هایی از استان‌های نینوا، صلاح‌الدین و دیاله واقع شده‌اند همواره یکی از دلایل و موانع مهمی در راستای ایجاد یک ملت واحد در عراق به شمار می‌روند. کشور عراق به دلیل جمعیت بالای اکراد و ذخایر غنی نفت‌های موجود در اقلیم کردستان (اربیل و کرکوک) همواره با چالش جدایی‌طلبی آن‌ها مواجه بوده و این کشور را به سمت وسوی بحران‌های متعددی سوق داده‌اند. کردها توانسته‌اند در سال ۱۹۹۱ میلادی با وجود سرکوب شدید رژیم بعث عراق، با دخالت ائتلاف ضد صدام به رهبری آمریکا و سازمان ملل مبادرت به تشکیل «حکومت منطقه‌ای اقلیم کردستان» نمایند و از این تاریخ به بعد آرزوی کسب استقلال و کشوری مستقل را در سر می‌پروراندند تا اینکه مسعود بارزانی در کنفرانس امنیتی داووس<sup>۲</sup>، روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی را به عنوان روز همه‌پرسی استقلال کردستان اعلام نمود و به رغم مخالفت‌های قاطعانه و صریح دولت مرکزی عراق، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران و برخی از دیگر دولت‌ها، با حمایت‌های رژیم اشغالگر قدس همه‌پرسی برگزار شد و نگرانی‌های ایران، ترکیه، سوریه و دولت مرکزی عراق تشدید گردید و جمهوری اسلامی ایران، طرح همه‌پرسی در اقلیم کردستان را توطئه‌ای صهیونیستی-آمریکایی در منطقه قلمداد نمود که هدف آن بی‌ثباتی مرزهای ایران، خدشه به محور مقاومت، جبران شکست نیروهای تکفیری داعش و بهانه‌های جدید برای حضور مجدد ایالات متحده در منطقه می‌باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف شناخت تهدیدات استقلال کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تنظیم شده و سؤال اصلی خود را معطوف به این مسئله نموده است که بحران استقلال اقلیم کردستان عراق چه تأثیراتی بر امنیت منطقه و مرزهای سیاسی-ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟ و در ادامه چه سناریوهای احتمالی را می‌توان برای آینده سیاسی اقلیم کردستان عراق متصور بود؟ نویسندگان با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهشی و استفاده از منابع مکتوب و مجازی به ترسیم سه سناریو عمده در خصوص آینده اقلیم کردستان عراق مبادرت نمودند و یافته‌ها پژوهش حاکی از آن است که تحریم‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه همچون ایران، ترکیه و عراق، مرگ جلال طالبانی، چالش‌های درونی اکراد در درون اقلیم کردستان باعث تعلیق همه‌پرسی شده و آینده اقلیم کردستان عراق، مطابق متغیرهای الگویی کانتوری و اسپینگل نه تنها سبب همگرایی منطقه‌ای نمی‌شود بلکه واگرایی وسیعی در منطقه رقم خواهد خورد. تهدیداتی ناشی از سطح

- 
1. Dahuk
  2. Davos Security Conference

ماهیت انسجام، ماهیت ارتباطات، ساختار روابط و سطح قدرت و بازیگر مداخله‌گر را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت. ساختار مقاله دارای دو قسمت است که قسمت اول به پیشینه تحقیق، آینده‌پژوهی و سناریوسازی، بحث همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق، علت تعلیق آن و سناریو احتمالی پیش رود حکومت اقلیم کردستان عراق می‌پردازد و قسمت دوم آن به تهدیدات ناشی از دولت نوظهور اقلیم کردستان عراق در آینده بر امنیت ملی ایران در قالب تئوری کانتوری و اشیپگل می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه پژوهش طیف وسیعی از مقالات و کتب در این رابطه با مسئله اقلیم کردستان عراق، ساختارهای امنیتی، ژئوپلیتیکی، ائتلاف‌های نظامی، ماهیت‌های همگرا یا واگرای آن در قبال جمهوری اسلامی ایران و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای وجود دارد. به‌عنوان مثال: محمدرضا عبدالله پور، علی محسنی و داود رسته در مقاله‌ای تحت عنوان: «دیاسپورا و خیزش ناسیونالیسم کرد با تأکید بر مدل‌های تعارض» و با روشی تحلیلی - توصیفی و با استعانت از اندیشه تعارض گالتونگ و دیالکتیک میدان و عادت واره بوردیو در پی اثبات این مسئله بوده‌اند که دیاسپورای کرد در جوامع غربی بر تعارضات هویتی و ناسیونالیسم کرد و جریان استقلال‌طلبی منطقه اقلیم کردستان عراق تأثیرگذار خواهد و عامل مهمی بر ادامه بحران‌ها و نهضت استقلال‌خواهی اکراد به شمار می‌رود. ۲ محمدرضا حاتمی و میکائیل سانیار در مقاله‌ای با عنوان: «همه‌پرسی اقلیم کردستان؛ منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل» ضمن بررسی همه‌پرسی اخیر اقلیم کردستان عراق، منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل در این اقلیم را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های مقاله نیز نشان دهنده این مسئله است که رشد ناسیونالیسم کردی متأثر از شرایط تاریخی، وزن بالای ژئوپلیتیک، تحولات چند سال اخیر خاورمیانه و حمایت برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از اصلی‌ترین عوامل تقویت‌کننده استقلال کردستان عراق محسوب می‌شود و در مقابل، انزوای ژئوپلیتیکی، مخالفت قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه، عدم حمایت بین‌المللی و مسئله کرکوک کلیدی‌ترین موانع اقلیم در راستای تشکیل دولت مستقل کردی است. مسعود اخوان کاظمی، فرزاد رستمی و حامد شاه‌ملکی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران» معتقدند که تحولات عمیق در عراق پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، و به ویژه خلأ قدرت ایجاد شده پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، هجوم داعش به این سرزمین، و اخیراً برگزاری رفراندوم استقلال در کردستان عراق و گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی کردها در راستای اهداف استقلال طلبانه خود در این کشور، زمینه مناسبی برای توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در کردستان عراق فراهم آورده است. پرسش اصلی پیش روی این مقاله این است که افزایش حضور و نفوذ

اسرائیل در کردستان عراق چه آثار و پیامدهایی را برای امنیت ملی و منافع ایران ایجاد خواهد نمود؟ در این مقاله بر مبنای چارچوب مفهومی موازنه تهدید، تلاش شده است تا ضمن تبیین جنبه‌های مختلف سیاست‌ها و روابط اسرائیل با کردهای عراق، تبعات آن‌ها بر امنیت ملی ایران و اکاوی شوند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان عراق، در راستای تحقق اهداف راهبردی این رژیم، از جمله ایجاد یک متحد استراتژیک جدید در منطقه می‌باشد که در نهایت می‌تواند تهدیدات جدی امنیتی (مانند ایجاد قلمرو استراتژیک برای اسرائیل در نزدیکی مرزهای ایران، مقابله با حضور و نفوذ ایران در عراق، ایجاد محیط بحران با حمایت از استقلال کردستان عراق و تجزیه عراق،...) برای ج.ا. ایران در بر داشته باشد. ۴ عنایت الله یزدانی، علی امیدی و مصطفی خیری در مقاله‌ای با عنوان «تبیین اهداف حکومت اقلیم کردستان عراق در ائتلاف با ترکیه» معتقدند که دستاوردهای سیاسی و امنیتی در کنار رشد اقتصادی باعث شده است که حکومت اقلیم کردستان عراق بتواند به عنوان الگویی موفق برای دیگر جنبش‌های کرد در منطقه خاورمیانه مطرح شود. حکومت اربیل برای حفظ جایگاه و هژمونی خود بر منطقه شمال عراق رویکرد اتحاد با بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه را اتخاذ نموده است. در این میان سوالی که مطرح است این است که حکومت اقلیم کردستان عراق از طریق اتحاد با ترکیه چه اهدافی را پی گیری نموده است؟ با توجه به حصر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق به نظر می‌رسد هدف اصلی اربیل تأمین بقای دولت نیمه مستقل اقلیم کردستان عراق و کاهش مخالفت‌های آنکارا با مسئله استقلال احتمالی آن بوده است. در کنار آن می‌توان به بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی و ارتباطی ترکیه برای ایجاد صنعت نفت مستقل و مقابله با نفوذ فزاینده پ.ک.ک. در منطقه نیز اشاره نمود. مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از چارچوب نظری ژئوپلیتیک دلایل حکومت اقلیم کردستان عراق برای اتحاد با ترکیه را مورد بررسی قرار داده است. گالیا لیندن استروس و آدریان کلوزت این مسئله را مطرح نموده‌اند که چرا دولت کردستان عراق مبادرت به برگزاری رفراندوم نمود؟ نویسندگان سه مسئله کلیدی، چندپارگی سیاسی عراق در پساصدام، کنش‌های و چالش‌های دو ایدئولوژی شیعه و سنی و در نهایت حمایت‌های اسرائیل را در این زمینه مطرح کرده‌اند و در نهایت نتیجه‌گیری نموده‌اند مادامی که چالش‌ها و ستیزهای قومی در عراق وجود داشته باشد و دست قدرت‌های منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای در این کشور باز باشد، تأسیس دولت مستقل کردستان محقق نخواهد شد.

اما وجه نوآوری مقاله کنونی را می‌توان بیشتر حول ترسیم سناریوهای آینده اقلیم کردستان عراق و تاثیرات آن بر میزان همگرایی و یا افول آن در منطقه و تشدید فرآیندهایی همچون تنش اکراد دیگر کشورهای با

حکومت مرکزی، حضور پررنگ اسرائیل و ایالات متحده در منطقه و تهدیدات بالقوه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اشاره داشت.

### چارچوب نظری (کانتوری<sup>۱</sup> و اشپیگل<sup>۲</sup>)

کانتوری و اشپیگل نظام بین‌المللی را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند. آن دو به ترسیم عرصه‌های سیاست بین‌الملل می‌پردازند و آن را به سه عرصه جهانی، منطقه‌ای و کشوری تقسیم می‌نمایند. بر این اساس معتقدند سه نوع سیستم مسلط، تابعه و داخلی شکل می‌گیرد. سیستم مسلط در عرصه جهانی وجود داشته و قدرتمندترین کشورها را در بر می‌گیرد. سیستم تابعه، روابط متقابل را در درون منطقه شامل خواهد شد و این در حالی است که سیستم داخلی، کشور و سازمان‌های آن را شامل می‌شود. بر این اساس، منطقه، نواحی از جهان است که واحدهای تشکیل دهنده آن، از لحاظ جغرافیایی در مجاورت با یکدیگر قرار گرفته و امور مربوط به سیاست خارجی آن‌ها به یکدیگر مرتبط است؛ فعالیت‌ها و اقدامات دیگر اعضای شرکت کننده در منطقه از متغیرهای تعیین کننده سیاست خارجی واحد منطقه‌ای به شمار می‌رود. در حالی که ممکن است اعضای از مناطق خاص، دارای علائق خارج از منطقه باشند؛ اما در درجه نخست، علاقه ویژه آن‌ها مربوط به مسائل منطقه خود می‌باشد و در شرایط معمولی تا زمانی که جایگاه دائمی خود را در مناطق به دست نیاورده یا نتواند آن را حفظ کند، قادر به دستیابی به موفقیت در سایر نقاط یا مناطق نخواهد بود.

از دیدگاه این دو تحلیل‌گر، متغیرهای زیر در ترسیم حدود سیستم تابعه مورد توجه قرار می‌گیرند:

(۱) هر کشور تنها عضو یک سیستم تابعه می‌باشد؛ به استثنای دو مورد، نخست، قدرتمندترین کشورها که در سیستم‌های تابعه مختلف مشارکت خواهند داشت و دوم، اینکه برخی از کشورها در حد فاصل بین دو سیستم تابعه قرار دارند و ممکن است عضو هر دو سیستم تابعه مجاور محسوب گردند. (۲) حدود تمامی سیستم‌های تابعه با توجه به معیار جغرافیایی مشخص می‌شود. (۳) در درون مرزهای سیستم، بین عوامل جغرافیایی، سیاسی، و اجتماعی کنش متقابل برقرار است. (۴) روابط سیاسی بومی (تضاد یا همکاری)، عامل جغرافیا و مرزهای اجتماعی و تاریخی به شرح و ترسیم حدود سیستم تابعه کمک می‌نماید. (۵) قدرت‌های خارجی نیز نقش مهمی در شرح و ترسیم یک سیستم تابعه دارند. (۶) اگرچه مرزهای جغرافیایی تغییر نمی‌کند یا به ندرت تغییر می‌نماید ولی متغیرهای سیاسی و ایدئولوژیکی سیال خواهند بود؛ بنابراین ضمن دقیق بودن مفهوم، نوعی پویایی نیز در آن دیده می‌شود. (۷) سیستم تابعه از یک یا چند کشور تشکیل

1- Cantori

2- Spiegel

می‌شود که به یکدیگر نزدیک بوده و کنش متقابلی بین آن‌ها وجود دارد؛ و نیز رشته‌های ارتباطی، نژاد مشترک، ریشه‌های تاریخی، فرهنگی، زبانی و احساس هویت مشترک در میان آن‌ها مشاهده می‌شود (Ranjesh & Latifan, 2016, pp.271-272).

به نظر کانتوری و اشیگل چهار متغیر الگویی بارز می‌تواند تبیین کننده جریان‌ات مختلف منطقه‌ای و تمایز آن‌ها از یکدیگر باشد. این چهار متغیر الگویی به این ترتیب است:

(۱) ماهیت و سطح انسجام یا میزان تشابه و یا مکمل بودن ویژگی‌های تمامیت‌های سیاسی که متمایل به همگرایی هستند و میزان مبادلات بین این واحدها؛ (۲) ماهیت ارتباطات درون منطقه‌ای؛ (۳) سطح قدرت در نظام تابعه؛ (۴) ساختار روابط درون منطقه‌ای بر این اساس کانتوری و اشیگل، سیستم تابعه را به سه بخش مرکزی (هسته‌ای)، پیرامونی و مداخله‌گر تقسیم می‌کنند:

(۱) بخش هسته یا کانون نظام: این بخش شامل دولت‌های واقع در مرکز نظام است که به لحاظ جغرافیایی در قلب سیستم فضایی نظام منطقه‌ای قرار می‌گیرند. این بخش کانون اصلی سیاست بین‌الملل و رفتارهای منطقه‌ای شناخته می‌شود، زیرا ارزش‌های منطقه‌ای و خصیصه‌های ناحیه‌ای در آن برجسته است. به عبارتی خاستگاه ارزش‌ها و خصیصه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد.

(۲) بخش پیرامونی نظام: این بخش شامل کشورهای است که در اطراف هسته قرار گرفته‌اند و با نقطه مرکزی هسته تماس جغرافیایی ندارند. فاصله جغرافیایی و سایر عناصر و پارامترها سبب می‌شود که این کشورها از کشورهای هسته متمایز شوند و به صورت حلقه گسسته‌ای بر گرد هسته جای گیرند. تعاملات فضایی این کشورها با یکدیگر کمتر از تعاملات آن‌ها با کشورهای هسته مربوط یا هسته مجاور است. به عبارتی کشورهای پیرامونی تجانس ساختاری و کارکردی بین خود ندارند و به همین دلیل فاقد انسجام و پیوستگی‌اند.

(۳) بخش مداخله‌گر نظام: در اینجا منظور دولت‌های بیرون از منطقه هستند که به دخالت در امور منطقه می‌پردازند؛ چرا که منافع دولت‌های بزرگ به مرزهای ملی آن‌ها محدود نمی‌شود. آن‌ها برپایه ملاحظات امنیتی و اقتصادی خود در امور دیگر مناطق دخالت می‌کنند. نوع مداخله دولت‌های بزرگ ممکن است فعال یا غیر فعال باشد. مداخله فعال سبب درگیری جدی در مسائل منطقه می‌شود و غیر فعال شامل فروش جنگ افزار، به کارگیری پایگاه‌های نظامی، تمرین‌های نظامی مشترک، کمک اقتصادی و همکاری‌های فرهنگی و آموزشی می‌شود. در واقع در اینجا است که می‌توان ارتباط بین سیستم تابعه و سیستم بین‌المللی را مشاهده کرد چرا که قدرت مداخله‌گر و بخش کنترل معمولاً از قدرت‌های اصلی نظام بین‌المللی تشکیل شده و حلقه پیوند بین سیستم تابعه و بین‌المللی به شمار می‌رود. در این میان قدرت‌های مداخله‌گر یا سیستم

کنترل جهانی، به هفت صورت زیر در سیاست‌های سیستم تابعه مشارکت می‌نمایند و سعی در حفظ نظم سیستمی دارند که عبارتند از: (۱) ترتیبات و نهادهای چند جانبه؛ (۲) ترتیبات دو طرفه مانند پیمان امنیت متقابل؛ (۳) مداخله نظامی جهت نگهداری وضع موجود یا بازگرداندن وضع سابق؛ (۴) براندازی؛ (۵) بهره‌گیری از ابزارهایی مانند سازمان ملل متحد، برای دخالت در امور منطقه؛ (۶) فعالیت فرهنگی و تبلیغاتی؛ (۷) تجارت و سرمایه‌گذاری اقتصادی. با مشارکت قدرت‌های خارجی در امور نظام منطقه‌ای، ابعاد سازمانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (منطقه)، پیوسته تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در صورت رقابت قدرت‌های مداخله‌گر یا قدرت‌های مرکز، سطح پیوستگی می‌تواند کاهش یابد. قدرت‌های مداخله‌گر در بیشتر مواقع، نقش مهمی را در محدود کردن همکاری‌ها دارند (Aghaie & Aghdaei, 2012, p.112). با توجه به الگوی نظری کانتوری و اشیگل و تقسیم سیستم تابعه نظام بین‌الملل به سه بخش مرکزی، پیرامونی و مداخله‌گر نوشتار حاضر سعی در بررسی تأثیر استقلال اقلیم کردستان عراق بر روند همگرایی و یا واگرایی منطقه دارد.

### مفاهیم نظری

آینده پژوهی: آینده پژوهی دانش تحلیل، طراحی و برپایی هوشمندانه آینده است که به ما می‌آموزد در مواجهه با پدیده غیرمحسوسی به نام آینده چگونه برخورد کنیم. آینده پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه و با مشخصه‌هایی همچون تمرکز روی موضوعات بلند مدت، متعهد به نتایج و سیستماتیک بودن است (Abbasi, 2006, p.68). آینده پژوهان با بررسی و تحلیل‌های گوناگون، آینده را پیش‌بینی می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها به صورت «سناریو» طرح می‌شود. سناریوپردازی را می‌توان از کاربردی‌ترین و پراستفاده‌ترین روش‌های آینده پژوهی دانست که کاربردهای زیادی در سیاست‌گذاری راهبردی و آینده‌نگاری‌های بلند مدت دارد (Cohen, 2001, p.9). فرهنگ لغت سناریو را طرح کلی وضعیت طبیعی و یا مورد انتظار حوادث می‌داند اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم سناریو را تعریف کنیم می‌توان گفت که سناریو داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده توجه دارد (Ringland, 1998, p.8). سناریو مجموعه امکاناتی است که به آینده مرتبط می‌شوند. آینده نامعلوم است و سناریو، اندیشیدن در مورد نامعلومی را به ما می‌آموزد. سناریوها به ما می‌آموزند که درباره همین نامعلومی‌ها بیندیشیم و فرض‌های دست و پاگیر امروزی را از دست و پای ذهن باز کنیم و بتوانیم گسست‌هایی را که ممکن است جهان ما را دگرگون سازند، شناسایی کنیم (Saadat, 1995, p.9). در آینده‌پژوهی می‌توان سه سناریوی «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» را ترسیم کرد برخی از مهمترین پیش‌فرض‌های آینده پژوهی عبارتند از: ۱- آینده امکانپذیر: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل



یا بعید، می‌تواند در آینده رخ دهد؛ ۲- آینده‌های رخ دادنی یا محتمل: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست؛ ۳- آینده‌های دلخواه: آنچه بهینه‌ترین و دلخواه‌ترین رویداد آینده است (Ahmadi, 2016, p.71). در این مقاله، نویسندگان از روش آینده پژوهی و رویکرد ترسیم سناریو، به تبیین آینده استقلال اقلیم کردستان عراق و سپس در قالب نظریه کانتوری و اشیپگل به تهدیدات استقلال اقلیم کردستان بر امنیت ملی ایران خواهند پرداخت.

#### همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق

در سال ۲۰۱۴، با تصرف کرکوک از سوی داعش، نیروهای پیشمرگه کرد توانسته‌اند پس از باز پس گیری کرکوک از دست داعش به چهل درصد از سرزمین‌های مورد مناقشه خود با دولت مرکزی دست یابند و حکومت اقلیم کردستان توانست حاکمیت محدود خود را به حاکمیت دو ژوره<sup>۱</sup> نزدیک کند. این به هم ریختگی سیاسی عراق فرصت نوینی در اختیار اقلیم کردستان برای تحقق خواسته‌های دیرینه کردها ایجاد کرد و مقامات بلند پایه دولتی و احزاب سیاسی کردستان، تاریخ برگزاری همه‌پرسی برای اعلام استقلال را ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ اعلام کردند که این همه‌پرسی در تاریخ مقرر به انجام رسید. کمیسیون انتخابات اقلیم کردستان می‌گویند ۹۲/۷ درصد مردم به جدایی کردستان از عراق رأی مثبت داده‌اند و این همه‌پرسی می‌تواند عراق را به سمت تجزیه‌طلبی، خطر تمامیت ارضی و جنگ داخلی کشاند ولی برگزاری همه‌پرسی کردستان عراق با واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روبرو گردید (Aldroubi, 2017). در عرصه منطقه‌ای، ترکیه مخالف‌های صریح خود را در قبال این مسئله اعلام و اقلیم کردستان را از عواقب خطرناک و بازخورد های احتمالی آن مطلع نمود (Chmaytelli & Toksabay, 2017). جمهوری اسلامی ایران نیز برگزاری فراندوم در اقلیم کردستان عراق را «خطایی استراتژیک<sup>۲</sup>» خواند و عنوان کرد که این خطا بازخوردهایی رادر بر خواهد داشت که صرفاً به کردستان عراق هم محدود نخواهد ماند (Sabouri & Alineghad, 2017, p.220). جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در اولین اقدام تمام مرزهای هوایی و زمینی خود را به روی اقلیم کردستان بستند. تنش میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق شدت گرفت و دولت مرکزی در پی معاصره هوایی کردستان برآمد و دست به اعزام نیروهای ارتش خود در جوار اقلیم کردستان زد و کنترل کرکوک را به دست گرفت. در این میان، مرگ جلال طالبانی<sup>۳</sup> سبب نادیده انگاشتن این تحریم‌ها گردید. شرکت رجال سیاسی عراق و سایر کشورها در این مراسم زمینه را برای آغاز این

گفتگوهای مسالمت آمیز میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق هموار نمود. دولت مرکزی عراق محدودیت‌های پروازی از فرودگاه‌های سلیمانیه و هولیر را برداشت و پس از مذاکراتی که میان رئیس پارلمان عراق و مسعود بارزانی، حکومت اقلیم کردستان، نتایج همه‌پرسی (استقلال اقلیم کردستان) را به حالت تعویق درآورد و این عمل سبب کاهش بحران و درگیری نظامی میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی گردید (Hatami & Saniar, 2017, p. 89).

#### چرایی تعلیق همه‌پرسی استقلال خواهی اقلیم کردستان

به طور کلی در تبیین این مسئله که چرا حکومت اقلیم کردستان عراق مسئله همه‌پرسی را به حالت تعلیق درآورد و حاضر به گفتگوهای مسالمت آمیز با حکومت مرکزی عراق گردید چند دلیل را می‌توان ذکر نمود:

۱. ائتلاف راهبردی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال اکراد: روابط سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه همواره حالتی بینابینی داشته و مبتنی بر تنش زدایی بوده است (Azghandi & Solat, 2012, p. 49). به دیگر سخن، به رغم اینکه ترکیه زمامدار اسلام سکولار در منطقه و از متحدین رژیم اشغالگر قدس و دیگر اعراب به شمار می‌رود و ایران نیز با شبه نظامیان حزب الله لبنان، انصارالله یمن، حزب الله عراق و دیگر شیعیان منطقه از روابط راهبردی و استراتژیکی برخوردار است، اما باید اذعان داشت مسئله‌ای به نام کردستان همواره یکی از مؤلفه‌های مهم همگرایی و کنش نزدیک میان دو کشور بوده است (Kavalek, 2016, p. 9). این مسئله پس از بیداری اسلامی نیز تداوم یافت، هر چند در این بازه زمانی، ترک‌ها تلاش‌هایی برای زمام امور جهان اسلام و روند شیوع سکولاریسم در جوامع انقلابی جهان عرب و به نوعی انزوای جمهوری اسلامی ایران را داشتند، اما اهمیت مسئله کردستان و چالش‌های امنیتی آن برای هر دو کشور، عاملی برای وحدت امنیتی آن‌ها در قبال مسئله کردستان گردید (Forouzan & Alishahi, 2017, p. 89). مسعودبارزانی، رهبر اقلیم کردستان عراق به نوعی با نادیده انگاشتن این مسئله دچار لغزش محاسباتی مهمی گردید، به خصوص غفلت وی از این مسئله که پس از کودتای نافرجام ترکیه در سال ۲۰۱۶ میلادی رویکردهای اردوغان در قبال اکراد با دقت بسیار زیادی مورد بررسی قرار گرفته است (Basiri; Majidinejad & Alishahi, 2017, p. 59). به همین سبب، می‌توان رویکرد همگرایی ایران و ترکیه در قبال کردستان را یکی از بازخوردهای مهم سیاست‌های استقلال طلبانه بارزانی قلمداد نمود.

۲. توسعه چشمگیر قدرت نظامی دولت مرکزی در قالب حشد الشعبی: از دیگر دلایلی که می‌توان مدلول شکست یا تعلیق نتایج همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق قرار داد، مسئله قوام روزافزون نیروهای نظامی عراق موسوم به حشد الشعبی است. حشد الشعبی در زمان اشغال عراق از سوی نیروهای تروریستی تکفیری داعش

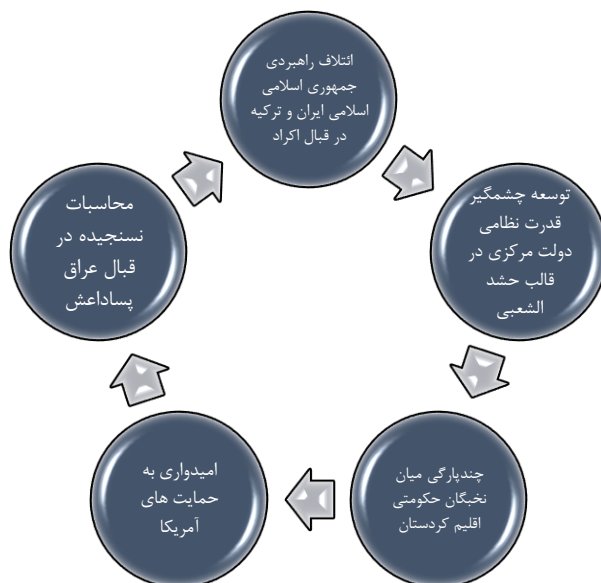
و به فرمان مرجع عالیقدر شیعیان عراق، آیت الله سیستانی تأسیس گردید. پس از انحلال ارتش عراق در زمان اشغال این کشور از سوی نیروهای آمریکایی تا کنون، عراق عملاً فاقد هرگونه نیروی نظامی سازمان یافته بوده است. به همین سبب، پس از شکلگیری سریع این گروه و سازماندهی آن از سوی نیروهای خبره نظامی همچون حیدرالعبادی، ابومهدی المهندس و دیگر نظامیانی که با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بسیاری از توطئه‌های ایدئولوژیکی همچون ظهور داعش، القاعده عراق و دیگر گروهک‌های تروریستی رو به زوال نهادند (Halafi, 2016, pp.47-49).

پس از برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق نیز، نیروهای حشدالعشبی به دستور دولت مرکزی یکی از فعالترین گروه‌های نظامی در شهر کرکوک بودند و در مدت زمانی بسیار اندک کنترل بسیاری از شهرهای استراتژیک اقلیم کردستان عراق را به دست گرفتند. اقدامی که بارزانی از آن به منزله «خیانت برخی عوامل پیشمرگه» یاد کرد (Chulov & Johnson, 2017)؛ بنابراین، باید به این مسئله مهم اشاره نمود که حشدالعشبی عراق از زمان تأسیس تا کنون بسیاری از فعالیت‌های خود را با موفقیت در زمینه‌هایی همچون بازپس‌گیری مناطق اشغالی عراق و ایجاد امنیت در این کشور به اجرا رسانده است و بارزانی پس از در اختیار گرفتن کنترل شهرهایی همچون کرکوک به عمق قدرت این نیروی نظامی پی برد؛ بنابراین قوام روزافزون نیروهای نظامی حشدالشعبی را باید یکی از دلایل مهم تعلیق نتایج همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق قلمداد نمود.

۳. چندپارگی میان نخبگان حکومتی اقلیم کردستان: از دیگر دلایل مهم تعلیق نتیجه همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق، مسئله عدم همسوئی میان نخبگان حکومتی کردستان می‌باشد. به عنوان نمونه، پارلمان کردستان عراق از اکتبر ۲۰۱۵ و به دنبال چالش‌هایی که بر سر تمدید دوره ریاست بارزانی بر این منطقه یاب‌گزاری انتخابات پیش آمد نشست بر گزار نکرده است. اوج چنددستگی‌ها در میان نخبگان کردستان عراق رامی توان اتهامات متقابل میان حزب دموکرات کردستان و حزب اتحادیه میهنی کردستان دانست که در پی شکست کرکوک میزان تزلزل در روند سیاسی موجود در اقلیم کردستان عراق را نشان داد (Cockburn, 2017). همچنین برخی از سران حزب اتحادیه میهنی و جنبش‌های تغییر خواهان استعفا و کناره‌گیری بارزانی از ریاست بر اقلیم کردستان می‌باشند چراکه بارزانی مسئول تمامی چالش‌های وسیع با دولت مرکزی عراق، عامل ایجاد شکاف‌های عمیق زندگی سیاسی در منطقه کردستان و کشاندن آن به سمت همه‌پرسی و اصرار بر انجام آن با وجود رد این موضوع از سوی بسیاری از احزاب کرد بوده است (Kaplan & Mardini, 2017).

۴. امیدواری به حمایت‌های آمریکا: از دیگر رویکردهای بارزانی که منجر به طرح مسئله همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق گردید، مسئله امید وی به حمایت‌های فرمانطقه‌ای و منطقه‌ای همچون ایالات متحده، اتحادیه اروپا و اسرائیل بوده است. اسرائیل نخستین کشوری بود که از بارزانی حمایت نمود. رویکرد آمریکا نیز در این زمینه علیرغم مخالفت‌های ظاهری، محافظه کارانه بوده است. به ویژه اینکه سیاست‌های کاخ سفید در عراق پس‌اصدام و پس‌داعش، همواره مبتنی بر اراده استدلال‌های منطقی و در ادامه اقتناع افکار عمومی جهان به حضور در عراق بوده است (Simpson, 2017, p.3). کما اینکه آمریکا به دلیل مبارزه با تروریسم داعش، در قالب ائتلاف بین‌المللی<sup>۱</sup> مجدداً توجهات لازم برای حضور در این کشور و مبارزه با داعش را یافت. بارزانی با این استدلال که پیشتر ایالات متحده و شورای امنیت با حمایت از حقوق کردهای عراق، دولت بعثی صدام حسین را اجباراً مجاب به رعایت حقوق آنان نموده بود، اینبار نیز در عراق پس‌داعش حامی طرح همه‌پرسی برای استقلال اکراد خواهد بود اما در عمل، این رویکرد با دستاورد خاصی همراه نشد و سیاست‌های حمایتی اسرائیل و رویکردهای نو محافظه کاران در ایالات متحده نیز نتوانست اهداف سیاسی بارزانی را محقق نماید.

۵. محاسبات نسنجیده در قبال عراق پس‌داعش: عامل دیگر، در عدم دستاورد طرح همه‌پرسی استقلال کردستان عراق را باید ارزیابی‌های نسنجیده دیگر بارزانی اینبار در قبال عراق پس‌داعش دانست. پس از اضمحلال داعش در عراق و خلأ سیاسی موجود از یک سو و چالش‌های نسبی در میان اعراب سنی، ترکمن‌ها، ایزدی‌ها و حتی شیعیان (چالش‌های میان جریان صدر و دیگر گروه‌های شیعه) بارزانی از فرصت پیشامد کرده استفاده نمود و با طرح این مسئله که استقلال کردستان نیازی به تأیید حکومت مرکزی ندارد، همه‌پرسی را در تاریخ مذکور به انجام رساند؛ اما مسئله مهم در اینجا اینست که بازخورد چنین سیاست‌هایی یقیناً در ادامه نه تنها کردهای دیگر کشورها را نیز تحریک خواهد کرد، بلکه نوعی استقلال‌خواهی میان اعراب سنی عراق را در پی خواهد داشت. به همین سبب، عراق پس‌داعش با ایجاد رویکرد همگرا محور با جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و سوریه مسئله همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق را ناکام گذارد (Chulov, 2017, p.2).



شکل (۱): چرایی تعلیق همه‌پرسی استقلال خواهی اقلیم کردستان

تهدیدات استقلال اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی ایران در قالب نظریه کانتوری و اشیپگل: نظریه کانتوری و اشیپگل برای تحلیل سیاست‌های منطقه‌ای به ویژه همجواری جغرافیایی و روابط تنگاتنگ در میان مجموعه‌ای از کشورها به کار گرفته می‌شود. در این تحلیل‌ها مجموعه کشورهای منطقه به عنوان یک سیستم تابعه شناخته می‌شوند (KouzehgarKaleji, 2009, p.81). اشیپگل و کانتوری نظام بین‌الملل را متشکل از چندین نظام تابعه منطقه‌ای می‌دانند که هر یک از این نظام‌های تابعه متشکل از یک، دو یا چند کشور همجوار تعامل گرا با یک دیگر است که پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با یکدیگر دارند و گاه احساس همانندی و هویت آن‌ها با اقدامات و طرز تلقی کشورهای که خارج از این نظام تابعه هستند تشدید می‌شود. به نظر اشیپگل و کانتوری چهار متغیر الگویی بارز می‌تواند تبیین‌کننده جریان‌های مختلف منطقه‌ای و تمایز آن‌ها با یکدیگر باشد. این چهار متغیر الگویی به ترتیب عبارت‌اند از: (۱) ماهیت و سطح انسجام، یا میزان تشابه و یا مکمل بودن ویژگی‌های تمامیت‌های سیاسی که متمایل به همگرایی هستند و میزان مبادلات بین این واحدها؛ (۲) ماهیت ارتباط درون منطقه‌ای؛ (۳) سطح قدرت در نظام تابعه؛ (۴) ساختار روابط درون منطقه‌ای (Ranjesh & Latifan, 2016, p.272). کانتوری و اشیپگل با توجه به چهار متغیر بالا نظام تابعه را نیز به سه بخش اساسی زیر تقسیم می‌کنند: بخش مرکزی که از یک یا چند کشور تشکیل شده است و مرکز ثقل سیاست بین‌المللی منطقه‌ای را

شکل می‌دهند ولی معمولاً بخش مرکزی از چند کشور که دارای زمینه‌های سیاسی، اجتماعی مشترک بوده و یا به زمینه‌های سازمانی و یا فعالیت‌های مشترک دیگر دست می‌یابند، تشکیل می‌گردد. بخش پیرامونی شامل تمام کشورهای است که در یک سیستم تابعه معین، به دلیل متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا سازمانی از بخش حذف می‌گردند اما با تمامی این وجود، در سیاست‌های مربوط به سیستم تابعه اعمال نقش می‌نمایند. قدرت مداخله‌گر نیز از مشارکت قدرت مهم خارجی و به عبارتی دیگر سیستم جهانی کنترل نظم، در روابط بین‌الملل سیستم تابعه خود را نمایان می‌سازد. در حالی که بخش مرکز-پیرامون هر دو شامل کشورهای هستند که در درون منطقه قرار دارند ولی این تنها کشورهای مذکور نیستند که نقشی را در فعالیت‌های سیستم تابعه بازی می‌کنند، بلکه کشورهای خارجی نیز در این نظام شرکت کرده و بدین ترتیب یکی از اجزاء آن محسوب می‌شوند (Ghasemi, 2011, p.87).

در صورت تطبیق نظریه کانتوری و اشپیگل بر منطقه غرب آسیا و استقلال خواهی اکراد در این منطقه شاهد کشورهای با محوریت ایران، ترکیه، سوریه و عراق هستیم که در مرکز سیستم تابعه قرار دارند و در حاشیه این مرکز حکومت اقلیم کردستان عراق قرار دارند که دنبال استقلال خواهی هستند و بازیگر مداخله‌گر ایالت متحده است که در روند شکل‌گیری حکومت اقلیم کردستان نقش فعالی داشته است. استقلال خواهی اقلیم کردستان عراق در این نظام منطقه‌ای یا سیستم تابعه تحت تأثیر عوامل درون منطقه‌ای یا «متغیرهای الگویی» و همچنین، عوامل برون منطقه‌ای یا «بازیگر مداخله‌گر» می‌تواند بر میزان همگرایی و واگرایی کشورهای در نظام منطقه‌ای یا سیستم تابعه تأثیر بگذارد. بر اساس نظریه کانتوری و اشپیگل همگرایی جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق به عنوان یک کشوری مستقل در آینده نزدیک بسیار دشوار به نظر می‌رسد و استقلال اقلیم کردستان تحت تأثیر متغیرهای الگویی و بازیگر مداخله‌گر زمینه‌های واگرایی بیشتری با جمهوری اسلامی ایران دارد که می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه کند که این تهدیدات در قالب متغیرهای الگویی عبارت‌اند از:

(۱) ماهیت و میزان همبستگی بین حکومت اقلیم کردستان و جمهوری اسلامی ایران: منظور از همبستگی، اندازه مشابهت و نیز مکمل بودن واحدهای سیاسی یک منطقه است. کانتوری و اشپیگل همبستگی را لازمه و مقدمه همگرایی می‌دانند. همبستگی در یک منطقه را می‌توان با توجه به چهار جنبه مورد بررسی قرار داد که این چهار جنبه عبارت‌اند از: همبستگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی.

الف) همبستگی اجتماعی: در همبستگی اجتماعی به نقش قومیت، دین، فرهنگ و تاریخ و میراث مشترک پرداخته می‌شود. هرچه میزان تشابه قومی و مذهبی و غیره میان ملت‌ها یک منطقه بیشتر باشد،

همبستگی اجتماعی بیشتر خواهد بود و بر عکس هر چه تشابه این واحدها از جهات فوق کمتر باشد همبستگی کمتر خواهد بود (Yazdanpanah & Bayat 2015, p.23). در رابطه با عامل همبستگی قومی و دینی میان ایران و اقلیم کردستان باید گفت استقلال اقلیم کردستان عراق سبب رشد و تقویت احساسات ناسونالیسم قومی در میان اکراد کشورهای منطقه خواهد شد و آنان را با موجی از احساسات ناسونالیستی مواجه می‌کند و امنیت سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه را با چالش مواجه خواهد نمود و منطقه را به سمت بی‌ثباتی سوق خواهد داد (Bouzhmehrani & Poureslami, 2013, p.89). لذا رشد ناسونالیسم کردی منطقه چالشی برای امنیت ملی ایران و تمامیت ارضی ایران به حساب می‌آید. فعالیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کردها در قالب یک دولت کردنشین در کنار ایران سبب افزایش مطالبات سیاسی و فرهنگی کردهای ایران از دولت مرکزی خواهد شد؛ و هر اندازه نقش نخبگان و سیاستمداران کرد در اداره حکومت اقلیم کردستان پررنگ تر شود، روند مطالبات سیاسی و اجتماعی کردهای ایران نیز سیر صعودی خواهد یافت. این مسئله چالشی برای امنیت ملی ایران و تمامیت ارضی ایران به حساب می‌آید (Dehnavi & TajAbadi, 2014, p.169). در رابطه با عاملیت همبستگی دینی میان ایران و اقلیم کردستان باید اذعان داشت در حدود ۷۰ درصد از عراقی‌ها، شیعه هستند. عراق شیعی یک دارایی راهبردی برای ایران محسوب می‌شود بنابراین تجزیه عراق و استقلال اقلیم کردستان که ماهیت اسلام آن سکولار می‌باشد، می‌تواند این موقعیت ایران را به نفع بازیگران منطقه‌ای رقیب ایران یعنی ترکیه که ماهیت اسلام آن سکولار می‌باشد و عربستان با ماهیتی وهابی تغییر دهد که این امر محصور شدن موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه را سبب خواهد شد. از سوی دیگر، دولت فدرالیسم کردستان عراق با ماهیت اسلامی اهل تسنه محیطی را در داخل خاک این کشور برای معارضین جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد کرد که فی‌نفسه برای ایران می‌تواند خطر آفرین باشد و در این راستا خطر عمده برای ایران در کردستان عراق اقدامات گروه‌های مخالف ایران در آن مناطق و رخنه در مرزهای ایران است (Sajedi & Amjadian, 2010, p.72). گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران مانند پژاک، کومله، زحمتکشان، دموکرات ایران بارها با اقدامات خود از داخل خاک اقلیم کردستان منجر به بروز ناامنی در مرزها و برخی شهرهای غربی ایران شده‌اند (Ketabi; Dehghan & Heidari, 2013, p.13).

ب) همبستگی سیاسی: منظور از همبستگی سیاسی این است که نظام‌های حکومتی در یک منطقه تا چه اندازه مشابه و مکمل یکدیگرند. هر چه میزان تشابه و سازگاری رژیم‌های سیاسی یک منطقه بیشتر باشد همبستگی در آن منطقه تقویت می‌شود. مشابهت نظام‌های سیاسی و حکومت موجب می‌شود که آن‌ها بر

ارزش‌های یکشان تاکید کنند و همین امر، در جهت گیری‌های سیاسی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و همبستگی به وجود می‌آورد (Yazdanpanah & Bayat 2015, p.23). لذا در خصوص همبستگی سیاسی میان ایران و حکومت اقلیم کردستان باید گفت حکومت جمهوری اسلامی ایران بر مبنای یک نظریه و فلسفه بنیادی شکل گرفته است که اسلام ناب محمدی (ص) مبتنی بر مکتب تشیع و ولایت مطلقه فقیه قلب و مرکز آن را تشکیل می‌دهد که مصداق عینی و بیرونی آن جمهوری اسلامی ایران است ولی در اقلیم کردستان عراق اندیشه حکومت داری بر پایه فدرالیسم و استقلال‌خواهی است و موفقیت‌های کردها در ایجاد حکومت خود گردان کردستان عراق، جلب توجه نظام بین‌الملل به مسئله کردها، جهانی شدن مسائل کردستان عراق از طریق رسانه‌های عمومی پس از استقرار حکومتی خود گردان، حمایت اروپا و امریکا و سیستم بین‌الملل از آن‌ها موجب شده است که فدرالیسم به عنوان یک الگوی حکومتی از سوی اکراد معارض، در کشورهایی مانند ایران، ترکیه و سوریه مطرح شود و در ایران برخی گروه‌ها و احزاب کرد بر ایجاد چنین نظام حکومت داری تاکید می‌ورزند. از این رو به نظر می‌رسد رواج و گسترش اندیشه حکومت داری بر پایه فدرالیسم و استقلال دولت نوظهور کردستان با اندیشه‌های سکولاریسم نه تنها مکمل با نظام حکومتی در ایران نیست بلکه تهدیدی سیاسی علیه نظام حکومت داری و ایده نظام جمهوری اسلامی ایران است (Bouzhmehrani & Poureslami, 2013, p.103).

همبستگی سازمانی: منظور از همبستگی سازمانی به این معنا است که عضویت کشورهای یک منطقه در سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های منطقه‌ای تا چه اندازه موجب همبستگی در میان آن‌ها می‌شود. (Yazdanpanah & Bayat 2015, p.24). در خصوص همبستگی سازمانی بین اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران باید گفت با توجه اینکه ایران، ترکیه، عراق و سوریه با استقلال دولت نوظهور اقلیم کردستان عراق مخالف هستند و همبستگی سازمانی منطقه‌ای با اقلیم کردستان عراق ندارند و در این منطقه قطب‌های قدرت درون منطقه‌ای از انسجام لازم برخوردار نیستند و در نتیجه زمینه برای اثرگذاری قطب‌های برون منطقه‌ای فراهم می‌شود (Hafeznia & Romina, 2005, p.71). لذا این امر باعث سلطه امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر اقلیم کردستان عراق و حرکت به سمت سازمان‌هایی منطقه‌ای همسو با اسرائیل و اتحاد استراتژیک با این رژیم می‌شود و حضور اسرائیل در کردستان عراق می‌تواند اوضاع امنیتی ایران را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهد (Mordadi, 2011, p.43). اسرائیل به عنوان یک قدرت تأثیر گذار در منطقه در جهت سیاست‌های ضد ایرانی، زمینه حضور خود را از طریق زیرساخت‌های



فنی منطقه کردستان عراق آغاز کرد و به دنبال نفوذ سیاسی - امنیتی بوده است. اسرائیل از طریق اقدامات گسترده‌ای همچون:

۱- مسلح نمودن اکراد و آموزش‌های نظامی (آموزش ۷۵ هزار کماندوی کرد موسوم به پیش مرگان)؛  
 ۲- خرید اراضی و بازگرداندن ۹۰ هزار یهودی کرد ساکن اسرائیل به سرزمین اصلی‌شان عراق، نفوذ و حضور خود را در اقلیم کردستان عراق گسترش داده است (Akhavan Kazemi & Azizi, 2011, p.154)؛ بنابراین موقعیت استراتژیک منطقه کردستان به دلیل همسایگی با ایران، سوریه، عراق و ترکیه این امکان را برای اسرائیل فراهم نموده است تا با حضور در منطقه و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در شمال عراق فعالیت‌های جنوب ترکیه، عراق، سوریه و ایران را کنترل نمایند و امنیت جمهوری اسلامی ایران را به خطر اندازد (Hatami, 2017).

۲- ماهیت ارتباطات: دومین متغیر الگویی جهت ارزیابی میزان همگرایی در یک منطقه، ماهیت ارتباطات است. ماهیت ارتباطات دارای چهار وجه ارتباطات شخصی، رسانه‌های گروهی، مبادلات نخبگان و حمل و نقل است. ماهیت ارتباطات میان ایران و اقلیم کردستان عراق بیشتر از آنکه بر پایه همگرایی باشد بر پایه واگرایی پی ریزی شده است. در اقلیم کردستان عراق ده‌ها سایت اینترنتی کردی، چند شبکه ماهواره‌ای وابسته به احزاب کرد عراقی، ایرانی و ترکیه‌ای فضای رسانه‌ای مناطق کردنشیت را پوشش می‌دهند. از جمله آن می‌توان به شبکه‌های ماهواره‌ای زاگرس و کردستان تحاوی متعلق به پارتی و شبکه کردست وابسته به اتحادیه اشاره کرد که همگی در راستای اعتلای خواسته‌های کردی فعالیت می‌کنند که هریک از اینها تاثیری در برانگیختن هویت‌های قومی دارند (Zarei & Ranjbari Chichooran, 2018). فعالیت‌های قابل توجه فرهنگی اعم از انتشار کتب و مجلات و اجرای فستیوال‌های فرهنگی، سمینارهای برگزاری یادمان شخصیت‌های کردی در قلم کردستان عراق و پخش اخبار و محتوای فعالیت‌های کردها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، محلی، منطقه‌ای و جهانی باعث برانگیخته شدن خواسته‌های قومیتی خواهد شد. علاوه بر آن، راه اندازی جشنواره‌های دائمی ادبی و هنری در اقلیم کردستان و فراهم کردن زمینه حضور هنرمندان ایرانی و تجلیل از چهره‌های مشهور اکراد ایرانی در کردستان عراق از جمله برپایی جشنواره نکوداشت با عنوان پیشوا قاضی محمد نوعی اقدام در جهت برانگیختن هویت کردی در ایران ارزیابی کردند که همه این‌ها نشانه از ماهیت ارتباطات منفی بین ایران و اقلیم کردستان عراق است که در صورت استقلال اقلیم کردستان عراق بسترساز تهدیدات نرم ضد جمهوری اسلامی ایران می‌باشند (Bouzhmehrani & Poureslami, 2013, p.100).

۳- سطح قدرت: سومین متغیر الگویی یعنی سطح قدرت، به توانایی بالفعل و بالقوه یک کشور برای تغییر در فرایند تصمیم‌گیری داخلی سایر کشورها به منظور همسازی سیاست‌های آن دولت با سیاست خویش اطلاق می‌شود. احراز قدرت شیعیان در عراق پس از سرنگونی صدام و نیز افزایش قدرت و نفوذ ایران در لبنان موجب تحولی بزرگ به نفع جمهوری اسلامی ایران گردید که تغییر ژئوپلیتیک شیعه در منطقه نام گرفته است. این بدان معنی است که رهبری و ابتکار عمل سیاسی در خاورمیانه که از پایان جنگ جهانی دوم در اختیار دولت‌های عرب سنی بود، اینک در اختیار شیعیان قرار دارد. شیعیانی که در رأس آن، جمهوری اسلامی ایران قرار دارد (Sajedi & Amjadian, 2010, p.72). این اتحاد مانع از پیشبرد تحولات ژئوپلیتیک به نفع آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه شده است ولی استقلال اقلیم کردستان عراق باعث تجزیه عراق، تضعیف دولت شیعی این کشور و در مجموع تضعیف ژئوپلیتیک شیعه در منطقه و تهدیدی علیه سطح قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه است (AkhavanKazemi; Rostami & Shahmaleki, 2018, p.18).

۴- ساختار روابط: متغیر الگویی چهارم، یعنی ساختار روابط، به ویژگی‌های روابط متقابل میان دولت‌ها یک منطقه می‌پردازد. در این زمینه، سه موضوع حائز اهمیت وجود دارد: الف) طیف روابط به این معنا که کدام دولت‌ها در حال همکاری هستند و کدام در حال ستیز با یکدیگر به سر می‌برند؛ ب) علل روابط، به معنای اینکه اساس و پایه همکاری یا ستیزها چیست؟؛ پ) ابزار روابط به این معنا که دولت‌ها در اعمال روابطشان از چه ابزارهایی استفاده می‌کنند؟ (Jamshid, 2010, p. 172).

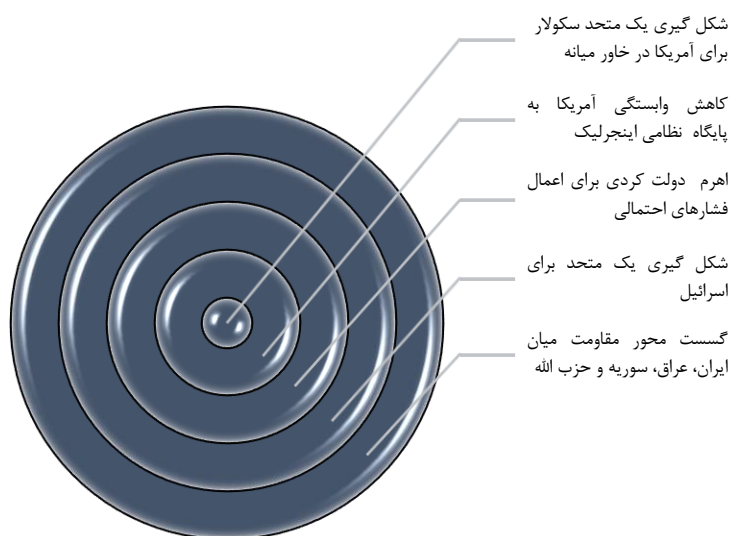
در خصوص روابط اقلیم کردستان عراق و کشورهای منطقه باید خاطر نشان کرد که پس از برگزاری همه‌پرسی، روابط این اقلیم با کشورهای ایران، سوریه و ترکیه به شدت وارد چالش‌های سیاسی و امنیتی شد و دولت‌های مذکور برای مقابله با استقلال‌خواهی اقلیم کردستان، دست به تحریم‌های همه‌جانبه سیاسی و اقتصادی علیه اقلیم کردستان عراق زدند. ترکیه، طرح همه‌پرسی را به شدت محکوم و به تهدیدات مکرر علیه بارزانی و اقلیم کردستان مبادرت نمود. در واقع ترکیه از این بیم دارد که استقلال اقلیم کردستان، کردهای این کشور را نیز به این امر ترغیب کند و تشکیل دولت مستقل کردی، زمینه را برای ایجاد کردستان بزرگ فراهم آورد که بخش عظیمی از مساحت و جمعیت آن در کشور ترکیه قرار دارد. سوریه نیز خطر کردهای دموکرات را به خوبی و به ویژه در خلال نیروهای مخالف دولت اسد پیشتر احساس نموده بود و عراق نیز که به تازگی در جنگی داخلی، به پاک‌سازی نیروهای تروریستی - تکفیری داعش مبادرت نموده بود، این بار در آستانه جنگ داخلی دیگری با اکراد به سر می‌برد. جمهوری اسلامی ایران، طرح همه‌پرسی در اقلیم کردستان را توطئه‌ای صهیونیستی - آمریکایی در منطقه قلمداد نمود که

هدف آن بی ثباتی مرزهای جمهوری اسلامی ایران، خدشه به محور مقاومت، جبران شکست نیروهای تکفیری داعش و بهانه‌های جدید برای حضور مجدد ایالات متحده در منطقه می‌باشد و سطح روابط تا به تعویق افتادن همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق در سطح شکننده بوده و در صورت استقلال اقلیم کردستان عراق، این روابط شکننده میان ایران و دولت نوظهور اقلیم کردستان عراق تهدیدات سیاسی و امنیتی را علیه امنیت ملی ایران داشته باشد.

بازیگر مداخله‌گر: حضور سیستم مداخله‌گر در منطقه نشانگر نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و خارج از منطقه در آن می‌باشد و میزان حضور و تأثیر این نیروها در فرایند همگرایی منطقه‌ای بسیار اهمیت است و طبق کانتوری و اشیپگل قدرت‌های خارجی آسان می‌توانند در مناطق مختلف جهان، ستیز و کشمکش برپا کنند تا اینکه همکاری و همراهی ایجاد کنند (Aghaie & Aghdaei, 2012, p. 111). از آنجایی که ادعای تاریخی کردها همواره از سوی کشورهای همسایه سرکوب شده، تمایلی به سپردن سرنوشت خود به دست قدرت‌های منطقه‌ای نداشته و به سمت جلب حمایت قدرت‌های بین‌المللی از جمله ایالات متحده سوق یافتند. آمریکا به عنوان بازیگر مداخله‌گر در سال‌های اخیر به تناسب اهداف خویش در منطقه، از استقلال اقلیم کردستان عراق حمایت کرده است. گرایش کردها به سمت سکولاریسم، همسویی و هماهنگی بودن سیاست‌های رهبران کرد با سیاست‌های آمریکا، داشتن روابط نزدیک با اسرائیل و نگرانی آمریکا در مورد رشد فزاینده قدرت و نفوذ احزاب شیعه طرفدار ایران باعث حمایت آمریکا از اقلیم کردستان عراق شده است؛ بنابراین استقلال اقلیم کردستان عراق در سطح بین‌الملل باعث نفوذ و حضور آمریکا در کردستان عراق می‌شود و این حضور تهدیدات زیر را برای کشورهای منطقه از جمله ایران به همراه خواهد داشت که عبارت انداز: ۱- شکل‌گیری یک متحد جدید برای آمریکا در خاورمیانه که مدعی پذیرش ارزش‌های غربی مانند دموکراسی و سکولاریسم هستند؛ ۲- برخورداری از اهرم دولت کردی برای اعمال فشارهای احتمالی به ترکیه، سوریه و ایران و عراق در آینده؛ ۳- شکل‌گیری یک متحد برای اسرائیل؛ ۴- گسست محور مقاومت میان ایران، عراق، سوریه و حزب الله؛ ۵- کاهش وابستگی آمریکا به پایگاه نظامی اینجریلیک ترکیه (Karimi & Gholami, 2016, p.208).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، مساعی نویسندگان ترسیم پیامدها و بازخوردهای استقلال اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بر اساس نظریه کانتوری و اشیپگل همگرایی جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق به عنوان یک کشوری مستقل در آینده نزدیک بسیار دشوار به نظر می‌رسد.



شکل (۲): تهدیدات استقلال اقلیم کردستان برای جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی

استقلال اقلیم کردستان تحت تأثیر متغیرهای الگویی و بازیگر مداخله‌گر زمینه‌های واگرایی بیشتری با جمهوری اسلامی ایران دارد که می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه کند که این تهدیدات در قالب متغیرهای الگویی عبارت‌اند از ماهیت و میزان همبستگی بین حکومت اقلیم کردستان و جمهوری اسلامی ایران: که شامل ۴ جنبه همبستگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی می‌باشند و در هر ۴ جنبه ایران و اقلیم کردستان را با چالش مواجه می‌نماید. دومین متغیر الگویی جهت ارزیابی میزان همگرایی در یک منطقه، ماهیت ارتباطات است. ماهیت ارتباطات میان ایران و اقلیم کردستان عراق بیشتر از آنکه بر پایه همگرایی باشد بر پایه واگرایی پی ریزی شده است. در اقلیم کردستان عراق ده‌ها سایت اینترنتی کردی، چند شبکه ماهواره‌ای وابسته به احزاب کرد عراقی، ایرانی و ترکیه‌ای فضای رسانه‌ای مناطق کردنشین و با هدف تهییج هویت و قومیت کردی پوشش می‌دهند. سومین متغیر الگویی یعنی سطح قدرت، به توانایی بالفعل و بالقوه یک کشور برای تغییر در فرایند تصمیم‌گیری داخلی سایر کشورها به منظور همسازی سیاست‌های آن دولت با سیاست خویش اطلاق می‌شود. احراز قدرت شیعیان در عراق پس از سرنگونی صدام و نیز افزایش قدرت و نفوذ ایران در لبنان موجب تحولی بزرگ به نفع جمهوری اسلامی ایران گردید که تغییر ژئوپلیتیک شیعه در منطقه نام گرفته است. این بدان معنی است که رهبری و ابتکار عمل سیاسی در خاورمیانه که از پایان جنگ جهانی دوم در اختیار دولت‌های عرب

سنى بود، اينك در اختيار شيعيان قرار دارد، شيعيانى كه در رأس آن، جمهورى اسلامى ايران قرار دارد. اين اتحاد مانع از پيشبرد تحولات ژئوپوليتيكي به نفع آمريكا و اسرائيل در خاورميانه شده است ولى استقلال اقليم كردستان عراق باعث تجزيه عراق، تضعيف دولت شيعى اين كشور و در مجموع تضعيف ژئوپوليتيكي شيعه در منطقه و تهديدى عليه سطح قدرت جمهورى اسلامى ايران در منطقه است. متغير الكوبى چهارم، يعنى ساختار روابط، به ويژگى هاى روابط متقابل ميان دولت ها يك منطقه مى پردازد. در خصوص روابط اقليم كردستان عراق و كشوهاى منطقه بايد خاطر نشان كرد كه پس از برگزارى همه پرسى، روابط اين اقليم با كشورهاي ايران، سوريه و تركيه به شدت وارد چالش هاى سياسى و امنيتى شد و دولت هاى مذكور براى مقابله با استقلال خواهى اقليم كردستان، دست به تحريم هاى همه جانبه سياسى و اقتصادى عليه اقليم كردستان عراق زدند. تركيه، طرح همه پرسى را به شدت محكوم و به تهديدات مكرر عليه بارزاني و اقليم كردستان مبادرت نمود. سوريه نيز خطر كردهاى دموكرات را به خوبى و به ويژه در خلال نيروهاى مخالف دولت اسد پيشتر احساس نموده بود و عراق نيز كه به تازگى در جنگى داخلى، به پاك سازى نيروهاى تروريستى - تكفيرى داعش مبادرت نموده بود، اين بار در آستانه جنگ داخلى ديگرى با اكرد به سر مى برد. جمهورى اسلامى ايران، طرح همه پرسى در اقليم كردستان را توطئه اى صهيونيستى - آمريكايى در منطقه قلمداد نمود كه هدف آن بى ثباتى مرزهاى جمهورى اسلامى ايران، خدشه به محور مقاومت، جبران شكست نيروهاى تكفيرى داعش و بهانه هاى جديد براى حضور مجدد ايالات متحده در منطقه مى باشد. در خصوص حضور سيستم مداخله گر نيز بايد اذعان نمود كه حضور سيستم مداخله گر در منطقه نشانگر نقش قدرت هاى فرامنطقه اى و خارج از منطقه در آن مى باشد و ميزان حضور و تأثير اين نيروها در فرايند همگرابى منطقه اى بسيار اهميت است و طبق كانتورى و اشپيگل قدرت هاى خارجى آسان مى توانند در مناطق مختلف جهان، ستيز و كشمكش برپا كنند تا اينكه همكارى و همراهى ايجاد كنند. از آنجاى كه ادعاى تاريخى كردها همواره از سوي كشورهاي همسايه سر كوب شده، تمايلى به سپردن سرنوشت خود به دست قدرت هاى منطقه اى نداشته و به سمت جلب حمايت قدرت هاى بين المللى از جمله ايالات متحده سوق يافتند. آمريكا به عنوان بازى گر مداخله گر در سال هاى اخير به تناسب اهداف خويش در منطقه، از استقلال اقليم كردستان عراق حمايت كرده است. گرايش كردها به سمت سكولاريسم، همسويى و هماهنگ بودن سياست هاى رهبران كرد با سياست هاى آمريكا، داشتن روابط نزديك با اسرائيل و نگرانى آمريكا در مورد رشد فزاينده قدرت و نفوذ احزاب شيعه طرفدار ايران باعث حمايت آمريكا از اقليم كردستان عراق شده است؛ بنابراين استقلال اقليم كردستان عراق در سطح بين الملل باعث نفوذ و حضور

آمریکا در کردستان عراق می‌شود و این حضور، تهدیدات زیر را برای کشورهای منطقه از جمله ایران به همراه خواهد داشت.

## References

- Abdollahpour, M.; Mohseni, A., & Rasteh, D. (2017). Diaspora and the rise of nationalism with an emphasis on conflict models, *Quarterly of Political Research in the Islamic World*, 7(1), 71-94. (In Persian)
- Aghaie, S. D., & Aghdaee, S. H. (2012). Theoretical Analysis of Turkey's ACCESSION to European Union and Impediments Ahead, *Politic Quarterly*, 42(4), 107- 123. (In Persian)
- Ahmadi, K. (2016). *Organizational Future Studies: Essentials, Concepts, Methods and Trends*, Tehran: Termeh Publication. (In Persian)
- Akhavan Kazemi, M., & Azizi, P. (2011). Iraqi Kurdistan; Israel geopolitical hartland, *Strategic Quarterly*, 20 (6), 141-168. (In Persian)
- Akhavan Kazemi, M.; Rostami, F., & Shahmaleki, H. (2018). Analysis of the relationship between Israel and Iraqi Kurdistan and its security implications for the Islamic Republic of Iran, *Journal of Contemporary Studies*, 8(26), 1-26. (In Persian)
- Aldroubi, M. (2017). Iraqi Kurds launch independence vote, *The National Times*, 5September 2017.
- Azghandi, A., & Solat, R. (2012). Relations between Iran and turkey in the light of developments in the Arab world, *Quarterly Political Studies*, 4(15), 47-64. (in persian)
- Basiri, M.; Majidinejad, A., & Alishahi, A. (2017). The cause of the failed coup of 2016 Turkish Army against the AKP, *Quarterly Journal of International Relations*, 10(37), 39-64. (In Persian)
- Bouzhmehrani, H., & Poureslami, M. (2013). The soft threats of Kurdistan's climate autonomy and its impact on the Iranian Kurds, *Journal of the Sociology of the Islamic World*, 2(4), 87-110. (In Persian)
- Chmaytelli, M., & Toksabai, E. (2017). Turkey raises oil threat after Iraqi Kurds back independence, *The Reuters*, 28 September.
- Chulov, M. (2017). Kurdish forces abandon long-held lands to Iraqi army and Shia fighters, *The Guardian*, 17 October.
- Chulov, M., & Johnson, P. (2017). Barzani on the Kurdish referendum: We refuse to be subordinates, *The Guardian*, 22 September.
- Cockburn, P. (2017). Iraqi Kurdish referendum: Why international powers fear independence vote could derail fight against Isis, *The Independent*, 19 September.

- Dehnavi, M., & TajAbadi, H. (2014). Iraq's federalism and Iran's national security; opportunities and challenges, *Quarterly journal of political and international research*, 6 (18), 153- 188. (In Persian)
- Forouzan, Y., & Alishahi, A. (2017). Turkish Communication foreign policy in the Middle East after the Islamic Awakening and approaches to odds with the Islamic Republic of Iran, *International Journal of Advanced Multidisciplinary Research*, 4(3), 86-92.
- Ghasemi, F. (2011). *Theories of International Relations and Regional Studies*, Tehran: Nashr Mizan Publications. (In Persian)
- Hafeznia, M., & Romina, E. (2005). The evolution of Iran-Iraq relations and its impact on the geopolitics of the Persian Gulf, *Quarterly of geographic research*, 20(2), 66-72. (In Persian)
- Halafi, M. (2016). Hashd Al-Shaabi mobilize the people of Iraq, *The Islamic Revolutionary Guards Journal*, 411, 46-49. (In Persian)
- Hatami, M., & Sanjar, M. (2017). Kurdistan Regional Referendum, Resources and Challenges for the Formation of an Independent Government, *Strategic Studies Quarterly*, 20(2), 85-111. (In Persian)
- Jamshid, S. (2010). South Caucasia Regional Integration: Obstacles and Challenges from the viewpoint of the Islamic Republic of Iran, *Journal of International Relations Studies*, 3(12), 169-198.
- Kaplan, M., & Mardini, R. (2017). The Kurdish region of Iraq is going to vote on independence. Here's what you need to know, *Washingtonpost*, 11 November.
- Karimi, P., & Gholami, T. (2016). American and Russian Kurdish politics, Iran's interests and national security, *Geopolitical Quarterly*, 13(2), 202-221. (In Persian)
- Kavalek, T. (2016). The Catch-22 in Nineveh: The Regional Security Complex Dynamics between Turkey and Iran, *Journal of Policy Paper*, 3(4), 1-15.
- Ketabi, M., & Dehghan, Y., Heidari, S. (2013). Investigating the Political-Economic Relations of Iraqi Kurdistan with Turkey and Its Impact on Iran's Foreign Policy, *International Political Research Quarterly*, 5(17), 1-33. (In Persian)
- Kouzehgar Kaleji, V. (2009). Attitudes toward the formation of an Energy Club in the Shanghai Cooperation Organization, *Journal of Strategy*, 18(51), 75-108. (In Persian)
- Lindenstrauss, G., & Cluzet, A. (2017). *For Institute for National Security Studies*, ETH, Zurich: Center for Security Studies.
- Moradi, J. (2011). The study of federalism in Iraq in terms of the level of regional analysis, *Political Science Quarterly*, 7(17), 35-58. (In Persian)
- Ranjesh, M. J., & Litifan, N. (2016). Analysis of the Effects of Competition between United States and Russia on Regional Convergence and Divergence of Central Asia, From 2001 to 2008, *Journal of Central Eurasia Studies*, 9(2), 269-288

- Sajedi, A., & Amjadian, F. (2010). The impact of Iraqi Kurdistan's federalism on the political and ethnic norms of the kurds of Iran, *Daneshnameh Quarterly*, 80, 57-80. (In Persian)
- Seifzadeh, SH. (2011). *Theorization in international relations of the foundations and intellectual forms*, Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Simpson, E. (2017). America is in Denial about Iraq, *The Foreign Policy*, 18 October.
- Yazdani, E.; Omid, A., & Kheiri, M. (2018). Explanation of the Objects of the Kurdistan Regional Government of Iraq in Alliance with Turkey, *Quarterly of World Politics*, 7(1), 81-106. (In Persian)
- Yazdanpanah, K., & Bayat, HR. (2015). Elements of geopolitical influence in convergence between countries of India, Pakistan and Afghanistan and its impact on southern (Comparative method using contour theory and Der Spiegel), *Quarterly of Geography (Regional Planning)*, 19(1), 19-33. (In Persian)
- Zarei, B., & Ranjbari Chichooran, K. (2018). Analysis of the Challenges of Kurdistan and the Central Government of Iraq and its Impact on the Countries Future, *Journal of Faculty of Law and Political Science*, 47(4), 909-928. (In Persian)